

به نام خدا

اعتراف ثالث

»

حقوق ایران

تهیه کنندگان:

۱- سعید اسمعیلی فارسی

۲- محمد علی ایزدی

۳- احمد درویشی

سمینار کار آموزی ورودی ۱۴۰۱

صفحه	فهرست مطالب
۴	۱- مقدمه
۴	۲- اعتراض ثالث اصلی
۴	۳- اعتراض ثالث طاری
۵	۴- اعتراض ثالث به حکم قطعی
۶	۵- انواع اعتراض ثالث
۷	۶- اعتراض ثالث حکمی موضوع ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی
۸	۷- اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی داورى ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی
۸	۸- اعتراض ثالث اجرایی در اجرای احکام مدنی (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی)
۱۰	۹- اعتراض ثالث موضوع ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی
۱۱	۱۰- اعتراض ثالث موضوع ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری
۱۲	۱۱- اعتراض ثالث کیفری نسبت به حکم رد یا تحویل مال موضوع جرم
۱۲	۱۲- اعتراض شخص ثالث نسبت به توقیف اموال در اجرای احکام کیفری
۱۲	۱۳- اعتراض به گزارش اصلاحی دادگاه و گزارش اصلاحی داور
۱۳	۱۴- اعتراض شخص ثالث نسبت به دستور فروش و دستور تخلیه
۱۴	۱۵- اعتراض شخص ثالث نسبت به دستور اجرائیه چک‌های جدید (بر اساس قانون اصلاحی چک و نظریه مشورتی مورخ ۷/۱۲/۱۴۰۰)
۱۵	۱۶- اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی دیوان عالی کشور (با توجه به مواد ۳۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری)
۱۵	۱۷- اعتراض ثالث ناشی از تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی
۱۷	۱۸- اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در دادگاه انقلاب
۱۷	۱۹- اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در اجرای احکام دادگاه خانواده و دادگاه صلح (شورای حل اختلاف)
۱۸	۲۰- اعتراض ثالث به رأی ورشکستگی
۱۸	۲۱- اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی اداره مالیات
۱۹	۲۲- اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی اداره تامین اجتماعی
۲۰	۲۳- اعتراض ثالث نسبت به رأی کمیسیون ماده ۱۰۰
۲	۲۴- آرای وحدت رویه مرتبط

تقدیم بہ روح

پاک شہدای

جنگ تحمیلی دوازدہ روزہ

مرداد ۱۴۰۱

۱- مقدمه:

اعتراض ثالث یکی از ابزارهای قانونی در حقوق ایران است که به شخص ثالث این امکان را می‌دهد تا در یک پرونده که حکم آن علیه وی صادر شده یا به نفع وی صادر نمی‌شود، وارد شده و از حقوق خود دفاع کند. اعتراض ثالث به دو نوع اعتراض ثالث اصلی (عادی) و اعتراض ثالث طاری تقسیم می‌شود که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند.

۲- اعتراض ثالث اصلی

اعتراض ثالث اصلی (عادی) زمانی مطرح می‌شود که شخصی که در دعوا طرف نبوده و هیچ دخالتی در آن نداشته است، حکم صادره علیه او اثرات منفی دارد. این شخص می‌تواند به حکم اعتراض کند. به عبارت دیگر، اعتراض ثالث اصلی (عادی) به اشخاصی تعلق می‌گیرد که در جریان اصلی دعوا حضور نداشته و طرف دعوا نبوده‌اند، اما به دلیل اینکه حکم صادره اثر مستقیم یا غیرمستقیم بر وضعیت حقوقی آنان دارد، حق دارند که به آن اعتراض کنند.

مثال‌هایی از اعتراض ثالث اصلی (عادی) عبارتند از:

- در صورتی که حکم صادره موجب تضییع حقوق مالی یا غیرمالی شخص ثالث شود.
- اگر شخص ثالث به دلیل حکم صادره متحمل زیان‌های غیرقابل جبران شود.

شرایط اعتراض ثالث اصلی

- شخص ثالث باید ثابت کند که حکم صادره به ضرر وی است.
- اعتراض باید به صورت کتبی و با ذکر دلایل و مدارک و اصولاً با دادخواست به دادگاه ارائه شود.
- اعتراض ثالث معمولاً مهلت ندارد.
- اعتراض ثالث باید به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رای مورد اعتراض باشد.
- اعتراض به دادگاهی می‌شود که رای قطعی را صادر کرده است.
- ترتیب دادرسی مانند دادرسی مرحله نخستین است.

۳- اعتراض ثالث طاری

این نوع اعتراض زمانی مطرح می‌شود که یکی از طرفین دعوای اصلی، در جریان دادرسی، رأی صادر شده در یک دعوای دیگر را به عنوان دلیل یا مستند دعوای خود ارائه می‌دهد و شخص ثالثی که در آن دعوای قبلی طرف نبوده، به این رأی اعتراض می‌کند. در واقع، اعتراض طاری، نوعی دفاع در برابر دلیل (رأی مورد استناد) است که توسط یکی از طرفین دعوا مطرح شده است.

ویژگی‌های اعتراض ثالث طاری:

- اعتراض ثالث طاری زمانی مطرح می‌شود که شخص ثالث در همان دعوای اصلی در حال رسیدگی حاضر باشد.

- در این نوع اعتراض، شخص ثالث ممکن است مدعی حق یا حقوقی باشد که از حکم صادره متاثر می‌شود یا ممکن است بخواهد خود را در پرونده به عنوان طرف دعوا معرفی کند.
- در اعتراض ثالث طاری، شخص ثالث باید در جریان رسیدگی به پرونده حضور نداشته باشد و از آن پس وارد پرونده شود.

شرایط اعتراض ثالث طاری:

- در این نوع اعتراض، شخص ثالث باید به دادگاه اعلام کند که دخالت او در دعوا لازم است و در نهایت خود را طرف دعوا قرار دهد.
- اعتراض باید به دلیل وجود آثار مستقیم و غیرمستقیم حکم برای شخص ثالث طرح شود.
- در اینجا نیز مهلت زمانی خاصی برای اعتراض تعیین نمی‌شود.
- اگر درجه دادگاه پایین تر از دادگاهی باشد که رای معترض عنه را صادر کرده است معترض باید درخواست خود را به دادگاه پایین تر اعلام کند و دادخواست خود را به دادگاهی که رای را صادر کرده است تقدیم می نماید و دادگاه طبق اصول رسیدگی می نماید.

۴. اعتراض ثالث به حکم قطعی

- اعتراض ثالث به حکم قطعی، به معنای اعتراض به حکمی است که از سوی دادگاه صادر شده و قطعی و غیرقابل تجدید نظر بوده است و به نوعی به شکایت از احکام نهایی و قطعی مربوط می‌شود.
- اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض، قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می‌توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد.
- در صورت وصول اعتراض طاری از طرف شخص ثالث چنانچه دادگاه تشخیص دهد حکمی که درخصوص اعتراض یادشده صادر می‌شود مؤثر در اصل دعوا خواهد بود، تا حصول نتیجه اعتراض، رسیدگی به دعوا را به تأخیر می‌اندازد. در غیر این صورت به دعوای اصلی رسیدگی کرده رأی می‌دهد و اگر رسیدگی به اعتراض برابر ماده (۴۲۱) با دادگاه دیگری باشد به مدت بیست روز به اعتراض کننده مهلت داده می‌شود که دادخواست خود را به دادگاه مربوط تقدیم نماید. در این مدت رسیدگی به دعوا متوقف می‌شود و چنانچه در مهلت مقرر اقدام نکند دادگاه رسیدگی به دعوا را ادامه خواهد داد.
- اعتراض ثالث موجب تأخیر اجرای حکم قطعی نمی‌باشد. در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تأمین مناسب قرار تأخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می‌کند. (این مدت قابل تمدید است)
- چنانچه دادگاه پس از رسیدگی، اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می‌نماید و اگر مفاد حکم غیرقابل تفکیک باشد، تمام آن الغاء خواهد شد.

۵- انواع اعتراض ثالث:

۱. اعتراض ثالث موضوع ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی (بیشتر اعتراض ها در این مرحله به وجود می آید چرا که ثالث در زمان اجرا متوجه صدور حکم می گردد)
۲. اعتراض ثالث نسبت به رد مال و تحویل مال موضوع جرم و رای وحدت رویه ۸۱۸
۳. اعتراض ثالث موضوع ماده ۵۳۷ قانون تجارت و رای وحدت رویه ۷۸۹
۴. اعتراض ثالث نسبت به رأی داور وفق ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی
۵. اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی دادگاه
۶. اعتراض ثالث نسبت به رأی دیوان عالی کشور
۷. اعتراض ثالث نسبت به دستور فروش و دستور تخلیه
۸. اعتراض ثالث نسبت به آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری
۹. اعتراض ثالث نسبت به آرای دیوان عدالت اداری
۱۰. اعتراض ثالث نسبت به صدور اجراییه طبق ماده ۲۳ قانون صدور چک
۱۱. اعتراض ثالث به عملیات اجرایی (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی)
۱۲. اعتراض ثالث نسبت به قرار تأمین خواسته کیفری (ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری)
۱۳. اعتراض ثالث اجرایی (تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی):
۱۴. اعتراض ثالث در مراحل اجرای احکام کیفری
۱۵. اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در دادگاه صلح
۱۶. اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در دادگاه اجرای احکام خانواده
۱۷. اعتراض ثالث ثبتی موضوع مواد ۹۶ و ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا با لحاظ رأی وحدت رویه ۷۸۴
۱۸. اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در اداره اجرای وصول مالیات (موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات های مستقیم)
۱۹. اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در اداره اجرای قانون تأمین اجتماعی (موضوع ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی)
۲۰. اعتراض ثالث اجرایی در اجرای مواد ۱ تا ۸ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت (مصوب ۱۳۲۲)

۶-اعتراض ثالث حکمی موضوع ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی

ماده ۴۱۷ آیین دادرسی مدنی:

(اگر در خصوص دعوایی رایبی صادره شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رای شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت به آن رای اعتراض نماید)

الف) امکان اعتراض ثالث نسبت به قرارها

- مطابق ماده ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اعتراض ثالث صرفاً نسبت به «احکام» امکان پذیر است و نسبت به «قرارها» حتی قرارهای قاطع دعوا، پذیرفته نیست.
- به همین دلیل، اعتراض ثالث نسبت به قرار تأمین خواسته و دستور موقت (در ماهیت تصمیم) پذیرفته نمی شود، چون این قبیل قرارها اصولاً به حقوق شخص ثالث خللی وارد نمی کنند و اگر هم آثار منفی داشته باشند، مربوط به مرحله اجرای آنهاست نه خود صدور قرار.
- البته برخی از اساتید حقوق از جمله دکتر شمس بر این باورند که اعتراض ثالث نسبت به قرار تأمین خواسته و دستور موقت نیز در صورتی که حقوق ثالث را خدشه دار کند، باید پذیرفته شود؛ اما عموم رویه و قانون گذار چنین امکانی را به صراحت پیش بینی نکرده است.
- اگر کسی نسبت به اجرای قرار تأمین خواسته یا دستور موقت معترض باشد، باید مطابق مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، اعتراض ثالث اجرایی را مطرح کند.

ب) امکان اعتراض ثالث نسبت به احکام غیرمالی

- طبق ماده ۱۲ بندهای الف، ب و ج قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، صرفاً نسبت به «احکام مالی» می توان اعتراض ثالث حکمی مطرح کرد و احکام غیرمالی مشمول این قاعده نیستند.

ج) شرایط و نکات کلیدی اعتراض ثالث حکمی

۱. موضوع اعتراض:
 - فقط نسبت به «حکم» می توان اعتراض ثالث مطرح کرد.
 - حتی نسبت به بعضی احکام هم اگر به ضرر ثالث نباشد (مثلاً حکم به بطلان دعوا) اعتراض ثالث پذیرفته نمی شود.
۲. نحوه طرح خواسته:
 - صرفاً «ابطال حکم» مورد درخواست قرار می گیرد و اضافه کردن هیچ خواسته دیگری مجاز نیست.
 - باید دلایل و مدارک مثبت ذی حق بودن پیوست شود.
۳. نتیجه پذیرش اعتراض ثالث:
 - صرفاً حکم قبلی لغو می شود و اصحاب دعوا باید مجدداً دعوای مقتضی مطرح نمایند.

○ دادگاه در ماهیت دعوا ورود نخواهد کرد.

۴. تفاوت با ورود ثالث و جلب ثالث:

○ در دعوای ورود ثالث و جلب ثالث، دادگاه به ماهیت امر رسیدگی و رأی شایسته صادر می‌کند، اما در اعتراض ثالث حکمی فقط اصل حکم ملغی می‌شود.

۵. اعتراض ثالث طاری:

○ اگر اعتراض ثالث طاری در مرجع هم عرض مطرح شود، نیاز به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارد و صرفاً با ارائه درخواست (مطابق ماده ۴۲۱ آ.د.م) انجام می‌شود.

۷-۱ اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی داورى ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنى

اعتراض شخص ثالث به رأی داور صرفاً محدود به درخواست «ابطال رأی داورى مذکور» می‌باشد و شخص ثالث نمی‌تواند خواسته دیگری به این اعتراض اضافه نماید. همچنین، در صورتی که اعتراض به رأی داورى از سوى شخص ثالث مطرح گردد، مستند به مقررات مربوط، هزینه دادرسی آن بر اساس دعوای مالی و متناسب با ارزش مالی خواسته تعیین و دریافت می‌گردد. اما چنانچه اعتراض به رأی داورى از ناحیه یکی از طرفین دعوای داورى صورت گیرد، چنین دعوایی ماهیت غیرمالی یافته و هزینه دادرسی آن مطابق مقررات دعوای غیرمالی اخذ خواهد شد.

بر اساس ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنى، اشخاص ثالث که خود را ذینفع در موضوع داورى می‌دانند، می‌توانند نسبت به رأی صادره از سوى داور اعتراض نمایند. لذا «هرگاه رأی داورى به حقوق شخص ثالثی که در داورى دخالت نداشته و رأی صادره را مغایر با حق خود می‌داند، لطمه وارد سازد، آن شخص می‌تواند به رأی داور اعتراض کند...»

۸- اعتراض ثالث اجرایی در اجرای احکام مدنى (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنى)

۱. موضوع و ماهیت اعتراض ثالث اجرایی

اعتراض شخص ثالث اجرایی منحصر به اعتراض نسبت به توقیف مال (منقول یا غیرمنقول) یا وجه نقد در فرآیند اجرای احکام است. شخص ثالثی که نسبت به مال توقیف شده ادعای حق دارد، می‌تواند مطابق با مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنى اعتراض خود را مطرح نماید.

۲. ارکان و شرایط طرح اعتراض

- ادعای حق: شخص ثالث باید مالکیت یا حق بر مال توقیف شده داشته باشد و این ادعا را مطرح کند.
- مدارک و مستندات: اگر ادعا مستند به «حکم قطعی قضایی» یا «سند رسمی» باشد و تاریخ سند رسمی «مقدم بر توقیف» باشد، فوری رفع توقیف انجام می‌گیرد.
- نکته: «حکم قطعی» ممکن است بعد از توقیف نیز صادر شود و قابل استناد باشد؛ اما «سند رسمی» لزوماً باید تاریخ مقدم بر توقیف داشته باشد.

۳. نحوه رسیدگی و روند اعتراض

- در صورت ارائه حکم قطعی یا سند رسمی پیش از توقیف، مأمور اجرا باید رفع توقیف انجام دهد.
- در سایر موارد، عملیات اجرایی ادامه می‌یابد و معترض می‌بایست برای جلوگیری از عملیات اجرایی، دادخواست خود را با خواسته‌های کامل به دادگاه تقدیم کند.

۴. خواسته‌های لازم در دادخواست اعتراض ثالث

به موجب رویه و نص مواد قانونی، صرف اعتراض به توقیف کفایت نمی‌کند. بلکه معترض باید خواسته‌های تخصصی زیر را نیز مطرح نماید، در غیر این صورت دادگاه با صدور قرار رد مواجه خواهد شد:

۱. اثبات مالکیت
۲. اثبات وقوع معامله (مثلاً معامله بیع یا صلح پیش از توقیف)
۳. الزام به تنظیم سند رسمی (در موارد ضرورت)
۴. درخواست توقف عملیات اجرایی یا رفع توقیف

نکته: افزودن خواسته در اعتراض ثالث اجرایی و تفاوت آن در مراجع مختلف

در مواردی که شخص ثالث نسبت به توقیف مالی در اجرای احکام معترض است، اختلاف در امکان یا عدم امکان افزوده شدن خواسته‌های دیگر (مانند اثبات مالکیت) بسته به نوع مرجع رسیدگی وجود دارد:

۱. دادگاه حقوقی

- **اصل:** چون دادگاه حقوقی صلاحیت رسیدگی به “اصل دعوا” را دارد، شخص ثالث می‌تواند علاوه بر طرح اعتراض ثالث، خواسته‌های دیگری مانند اثبات مالکیت یا رفع توقیف را نیز مطرح کند.
- **نتیجه:** امکان تقدیم دادخواست با خواسته‌های متعدد برای ثالث وجود دارد.

۲. دادگاه خانواده

- **اصل:** در مواردی که مالی در اجرای احکام دادگاه خانواده توقیف می‌شود و شخص ثالث اعتراض دارد، دادگاه خانواده فقط صلاحیت رسیدگی به اعتراض ثالث را دارد و صلاحیت ورود به موضوعاتی مانند اثبات مالکیت یا سایر دعاوی خارج از امور خانوادگی را ندارد.
- **رویه قانونی:** دادگاه خانواده در این موارد تنها می‌تواند عملیات اجرایی را متوقف کرده و به معترض ثالث یک مهلت یک ماهه بدهد تا به دادگاه حقوقی صالح مراجعه و دادخواست مربوطه (مثلاً اثبات مالکیت) را تقدیم کند.
- **اگر معترض ظرف مهلت تعیین شده دادخواست را تقدیم نکند:** در این صورت، اعتراض ثالث رفع اثر می‌شود و عملیات اجرایی ادامه می‌یابد.

۳. دادگاه صلح (شورای حل اختلاف)

- **اصل: دادگاه صلح** (شورای حل اختلاف) و سایر مراجعی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را ندارند، نمی‌توانند به خواسته‌های اضافی شخص ثالث (خارج از اعتراض ثالث) رسیدگی کنند.

نمونه موردی:

اگر خودرویی بابت بدهی یک شخص توقیف شود و خریدار با سند عادی پیش از توقیف خودرو را خریده باشد، برای بازپس‌گیری حق باید در دادگاه دعوای اعتراض ثالث مطرح کرده و همزمان خواسته‌های فوق را در دادخواست قید کند.

۴. شیوه رسیدگی و ویژگی‌های دادرسی

- رسیدگی به دعوای اعتراض شخص ثالث اجرایی بدون تشریفات آیین دادرسی مدنی و بدون پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد (ماده ۱۴۷).
- دادگاه می‌تواند به هر طریق مقتضی و حتی خارج از وقت اداری، به تحقیقات و دلایل رسیدگی کند و در صورت قوی بودن دلایل، قرار توقف عملیات اجرایی را صادر نماید.
- اگر مال مورد اعتراض منقول باشد، دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال به معترض را صادر کند.

۵. مدت طرح اعتراض شخص ثالث

- **مهلت اعتراض:** شکایت شخص ثالث می‌تواند در طول عملیات اجرایی و حتی پس از فروش و قبل از تحویل مال و تنظیم سند اجرایی نیز مطرح گردد و تا زمانی که حق او برقرار و مال توقیف‌شده قابلیت استرداد دارد، قابل پیگیری خواهد بود. پس از واگذاری قطعی یا تنظیم سند اجرایی (خصوصاً در اموال غیرمنقول) باید دعوا مطابق قواعد عام دادرسی حقوقی پیگیری شود.

۶. سایر نکات مهم

- طبق قاعده، اجرای احکام و بررسی اعتراض ثالث برعهده «دادورز اجرای احکام» است؛ مگر در موارد خاص مواد (۱۵، ۱۶، ۳۳، ۸۱، ۸۸، ۱۱۷ و ۱۹۵ قانون اجرای احکام) که صراحتاً به «مدیر واحد اجرا» محول شده است.
- **تبصره ماده ۱۴۷:** محکوم‌له می‌تواند مال دیگری از اموال محکوم‌علیه را به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید که در این صورت، مال جدید توقیف و مال مورد اعتراض از توقیف خارج می‌شود و رسیدگی به اعتراض ثالث موقوف می‌گردد.

۹- اعتراض ثالث موضوع ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی

(اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر اینکه متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مامور اجرا) یک هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تاخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت)

۱. موضوع ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی

- این ماده، ناظر به مواردی است که حکم نسبت به عین معین صادر شده و مشخصات آن نیز در رأی دادگاه به صراحت درج گردیده است.
- به عبارت دیگر، اگر دادگاه نسبت به مال معینی رأی صادر کند و آن مال نزد شخص ثالثی باشد که مدعی حقی نسبت به آن است، شخص ثالث (متصرف) حق اعتراض دارد.

۲. نحوه اعتراض و اقدام قانونی

- شخص متصرف باید با تقدیم درخواست به دادگاه صادرکننده اجراییه، تقاضای صدور قرار تأخیر اجرای حکم را مطرح کند.
- در این مورد، تقاضای دستور موقت صحیح نیست و مرجع صلاحیت دار نیز صرفاً همان دادگاهی است که اجراییه را صادر کرده است.

۳. نکته کلیدی

- دلیل عدم امکان دستور موقت: ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی صراحتاً برای حفظ حقوق احتمالی متصرف، قرار تأخیر اجرای حکم را پیش‌بینی کرده است و موضوع دستور موقت مطرح نمی‌شود.

۱۰- اعتراض ثالث موضوع ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۱۱۱ - (دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند.)

۱. موضوع ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری

- در مواردی که در جریان رسیدگی کیفری، با صدور قرار تأمین خواسته، مالی توقیف شود و شخص ثالث نسبت به توقیف آن مال معترض باشد، مقررات اعتراض ثالث مطابق قواعد اجرای احکام مدنی صورت می‌گیرد.

۲. مرجع صلاحیت دار رسیدگی به اعتراض ثالث

- اعتراض ثالث باید در دادگاه حقوقی اقامه شود و نه در مرجع کیفری.
- اگر مال مورد نظر در دادسرا توقیف شده باشد، دادگاه حقوقی محل وقوع دادسرا صالح به رسیدگی است.
- ثالث باید ضمن اعتراض، دعوی مقتضی (مانند اثبات مالکیت یا رفع توقیف) را نیز مطرح نماید تا دادگاه حقوقی بتواند وارد رسیدگی ماهیتی شود.

۳. ضمانت اجرای رأی دادگاه حقوقی

- رأی صادره از دادگاه حقوقی (مثلاً حکم به رفع توقیف مال) برای بازپرس و دادگاه کیفری لازم‌الاجرا است و مراجع کیفری مکلف به تبعیت از رأی دادگاه حقوقی خواهند بود.

۱۱- اعتراض ثالث کیفری نسبت به حکم رد یا تحویل مال موضوع جرم

طبق رأی وحدت رویه شماره ۸۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و به موجب ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به اعتراض شخص ثالث نسبت به حکم رد یا تحویل مال موضوع جرم باید در همان شعبه‌ای صورت گیرد که رأی مربوط به رد یا تحویل مال را صادر کرده است.

- بنابر این اعتراض شخص ثالث نسبت به حکم رد مال موضوع جرم در دادگاه کیفری باید در همان شعبه‌ای که رأی را صادر کرده مطرح و رسیدگی شود.

نحوه رسیدگی به اعتراض ثالث کیفری

۱. اگر حکم رد یا تحویل مال در دادگاه بدوی (اولیه) صادر و قطعی شده باشد، اعتراض ثالث نیز باید در همان شعبه دادگاه بدوی مطرح و بررسی شود.
 ۲. اگر حکم رد یا تحویل مال در دادگاه تجدیدنظر قطعی شده باشد، به تبع آن، اعتراض شخص ثالث می‌بایست در همان شعبه دادگاه تجدیدنظر رسیدگی شود.
- این قاعده تضمین می‌کند مرجع صادرکننده رأی به تمامی جوانب اعتراض و سوابق پرونده اشراف کامل داشته باشد و وحدت رویه قضایی نیز رعایت گردد.

۱۲- اعتراض شخص ثالث نسبت به توقیف اموال در اجرای احکام کیفری

در خصوص اعتراض شخص ثالث نسبت به توقیف اموال در جریان اجرای احکام کیفری، قانونگذار صراحتی ارائه نکرده است و در عمل، اختلاف نظر وجود دارد.

- بر اساس نظریه مشورتی مورخ ۱۶/۲/۱۴۰۲، برخی صاحب‌نظران معتقدند که صلاحیت رسیدگی با محاکم حقوقی است، با استناد به ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری. برخی دیگر نیز این صلاحیت را متعلق به محاکم کیفری می‌دانند.
- با این حال، نظر غالب و صائب‌تر آن است که دادگاه کیفری ۲ که حکم توقیف را صادر کرده، باید مرجع رسیدگی به اعتراض شخص ثالث باشد؛ چراکه هرگونه ایراد یا اشتباه در روند صدور یا اجرای حکم، باید توسط همان دادگاه صادرکننده مورد بررسی قرار گیرد.

۱۳- اعتراض به گزارش اصلاحی دادگاه و گزارش اصلاحی داور:

گزارش اصلاحی رای نیست بنابراین از ماده ۴۱۷ نمی‌توانیم استفاده کنیم ماده ۴۲۵ می‌گوید حکم را الغامی کند ما با گزارش اصلاحی مواجه هستیم در نتیجه سالبه به انتفاع موضوع است باید طبق مقررات عمومی تقاضای صدور حکم بر ابطال گزارش اصلاحی صادره را تقدیم دادگاه حقوقی نماییم.

در اینجا معترض ثالث به عنوان خواهان و اصحاب آن پرونده به عنوان خوانده دعوی باید در همان شعبه‌ای که گزارش اصلاحی را صادر کرده است اقامه شود.

و می‌بایست دادخواست به خواسته تقاضای صدور حکم بر ابطال گزارش اصلاحی را تقدیم نماییم و نمی‌توانیم خواسته دیگری اضافه نماییم. لذا اگر ثالث نسبت به گزارش اصلاحی اعتراضی داشته باشد نمی‌تواند تحت عنوان اعتراض ثالث طرح دعوا نماید بلکه می‌بایست دعوای ابطال مطرح نماید چون گزارش اصلاحی یک عقد صلح است و دادگاه در تنظیم آن صلح هیچگونه دخالتی ندارد و حتی دادگاه در تنظیم آن هم دخالتی ندارد، گزارش اصلاحی از مقوله رای ذیل ماده ۴۱۷ خروج موضوعی دارد. در واقع طرفین در دادگاه عقد صلحی تنظیم می‌کنند. اگر یکی از طرفین این عقد صلح از شروط و تعهدات قراردادی خود تخلف نماید و متعهد له آن شرط مثل قواعد کلیه معاملات مثلاً شرط فاسخ یا خیار تخلف شرط عمل نکند باید یک اظهارنامه به طرف مقابل بدهد و اظهار فسخ نماید و از دادگاهی که گزارش اصلاحی را تنظیم کرده تقاضای صدور حکم بر تایید فسخ قرارداد فی مابین و ابطال گزارش اصلاحی صادره را تقاضا نمایند و صرف گزارش اصلاحی را هم تنها مطرح نمی‌توان کرد چون این متضمن یک عقد صلح قبل از گزارش اصلاحی است باید تقاضای صدور حکم بر ماهیت آن قرارداد را هم اگر تحت عنوان بطلان است (بطلان) و اگر تحت عنوان فسخ است (فسخ) مورد تقاضا قرار داده شود و مطابق نظریه مشورتی ۱۴۰۲/۸/۲۱ ابطال را پذیرفته است و بیان نموده پرونده پس از ابطال دادگاه مکلف به ادامه رسیدگی است و نیاز به تنظیم دادخواست جدید نمی‌باشد.

نکته مهم در خصوص اعتراض به رای داور

اگر طرفین رای داور اعتراض به رای داور داشته باشند و تقاضای صدور حکم بر بطلان رای داور را داشته باشند می‌بایست تقاضای خود را به دادگاه بدوی یا تجدید نظر که پرونده را به داور ارجاع داده است تقدیم نمایند. حال اگر شخصی به عنوان ثالث به این رای اعتراض داشته باشد دادگاه که به جهات بطلان طرفین رسیدگی کرده در اینجا رای داور را صادر نکرده بلکه او صرفاً به جهات بطلان رسیدگی کرده است و ما اگر تقاضای اعتراض ثالث کنیم می‌بایست در دادگاه صلاحیت داری که صلاحیت رسیدگی به اصل موضوع را دارد دادخواست مقتضی را مبنی بر اعتراض ثالث به رای داور اقامه کنیم.

۱۴- اعتراض شخص ثالث نسبت به دستور فروش و دستور تخلیه

در مواردی که نسبت به دستور فروش یا دستور تخلیه (صرفاً خود دستور نه اجرای آن) اعتراضی وجود داشته باشد، لازم است خواسته‌ای تحت عنوان ابطال دستور فروش یا ابطال دستور تخلیه مطرح شود. این موضوع در صلاحیت دادگاه صلح (شورای حل اختلاف) نیست و باید در دادگاه عمومی محل وقوع ملک رسیدگی گردد.

۱. اعتراض ثالث به دستور فروش

- ابطال دستور فروش تنها در صلاحیت دادگاه عمومی است و شخص ثالث نمی‌تواند به عنوان «اعتراض ثالث» اقدام کند، بلکه باید خواسته‌ای ابطال دستور فروش را از دادگاه عمومی محل وقوع ملک بخواهد.
- اگر دستور فروش از سوی دادگاه صادر شده باشد، شخص ثالث می‌تواند با تقاضای ابطال دستور فروش به همان شعبه دادگاه صادرکننده مراجعه کند.

۲. اعتراض مستأجر به دستور تخلیه

- طبق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون موجر و مستأجر، اگر خود مستأجر نسبت به دستور تخلیه اعتراض داشته باشد، باید به دادگاه عمومی محل وقوع ملک مراجعه کند و دو خواسته را مطرح نماید:

۱. تقاضای ابطال دستور تخلیه

۲. تقاضای توقف عملیات اجرایی

- دادگاه صلح (شورای حل اختلاف) یا مرجعی که دستور تخلیه را داده صلاحیت رسیدگی به اعتراض را ندارد و صرفاً دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی دارد.

۳. چرا ابطال دستور، نه اعتراض ثالث

- بر اساس ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، «اعتراض ثالث صرفاً نسبت به «احکام» پیش‌بینی شده است و نسبت به «دستورات» قابلیت طرح ندارد. لذا شخص ثالث اگر به دستور فروش یا دستور تخلیه اعتراض دارد، می‌بایست تقاضای ابطال آن دستور را در دادگاه عمومی مطرح نماید.
- اگر قاضی دستورفروشی صادر کند و این دستور مغایر با حق دیگری ثالث باشد اگر شخص سند رسمی داشته باشد خود قاضی می‌تواند از دستور عدول کند و اگر شخص سند عادی داشته باشد باید دعوای مقتضی مبنی بر ابطال دستور فروش و تقاضای دستور موقت برای عدم نقل و انتقال داده شود نه درخواست توقیف عملیات اجرایی البته برای تقاضای دستور موقت مبنی بر عدم نقل و انتقال باید خسارت احتمالی تودیع کنیم.

۱۵- اعتراض شخص ثالث نسبت به دستور اجراییه چک‌های جدید (بر اساس قانون اصلاحی چک و نظریه مشورتی مورخ ۷/۱۲/۱۴۰۰)

۱. سؤال حقوقی

اگر شخص ثالثی بابت صدور اجراییه مربوط به چک‌های جدید (چک‌های صیادی) متضرر شده باشد، آیا می‌تواند از طریق اعتراض ثالث نسبت به صدور اجراییه اقدام کند یا باید دعوای دیگری طرح نماید؟

۲. پاسخ و تحلیل حقوقی

بر اساس نظریه مشورتی مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

- عنوان «اعتراض ثالث» نسبت به صدور اجراییه قابلیت طرح ندارد؛ زیرا اعتراض ثالث فقط نسبت به احکام موضوعیت دارد و نه نسبت به اجراییه یا دستور اجرایی
- شخص ثالث اگر از مفاد اجراییه متضرر شده باشد، محدودیت قانونی برای طرح دعوای ابطال اجراییه (یا ابطال چک) در حدی که با حقوق وی منافات داشته باشد، وجود ندارد.
- بنابراین، شخص ثالث باید دادخواست «ابطال اجراییه» یا «ابطال چک» را با استناد به ورود ضرر به حقوق خود به مرجع صالح قضایی تقدیم نماید، و دعوای او به عنوان «اعتراض ثالث» شناخته نمی‌شود.

۱۶- اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی دیوان عالی کشور (با توجه به مواد ۳۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

۱. اعتراض ثالث نسبت به رأی دیوان عالی کشور (روند عادی/ ماده ۳۶۶ ق.آ.د.م)

- دیوان عالی کشور در موضوعات حقوقی عموماً وظیفه‌ی نقض یا ابرام رأی و تطبیق با موازین شرعی و قانونی را دارد و رأساً رأی ماهیتی صادر نمی‌کند.
- بنابراین اگر شخص ثالث نسبت به رأی قطعی دیوان عالی کشور معترض باشد، اعتراض ثالث باید به شعبه‌ای که رأی ماهیتی صادر کرده (اعم از دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظر) تقدیم شود.
- به بیان دیگر، شعبه صادرکننده رأی ماهیتی مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث است و نه دیوان عالی کشور.

۲. استثنا: رأی دیوان عالی کشور در راستای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

- در مواردی که دیوان عالی کشور بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌کند، دیوان رأی ماهیتی صادر می‌نماید (و نه صرفاً نقض یا ابرام).
- بنابراین در این موارد خاص، اعتراض ثالث نسبت به رأی صادره دیوان عالی کشور باید نزد همان شعبه دیوان مطرح شود.
- این موضوع از موارد استثنایی است که دیوان عالی کشور برخلاف رویه‌ی معمول، رأی ماهیتی صادر نموده و مرجع اعتراض ثالث نیز همان شعبه دیوان خواهد بود.

۱۷- اعتراض ثالث ناشی از تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی

تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات (- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه‌های جزایی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد).

۱. موضوع ماده و موارد اعتراض

در تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، سه مقوله مطرح است:

- استرداد مال
- ضبط مال
- معدوم کردن مال

در صورتی که در فرایند رسیدگی کیفری (اعم از دادسرا یا دادگاه)، تصمیمی درخصوص استرداد، ضبط یا معدوم کردن مالی اتخاذ شود که به حقوق شخص ثالث لطمه وارد کند، شخص ثالث حق اعتراض دارد.

۲. مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض ثالث

- اگر تصمیم در دادسرا اتخاذ شود: اعتراض شخص ثالث باید در دادگاه کیفری دو که صلاحیت رسیدگی به اصل پرونده را دارد، مطرح گردد.

- اگر تصمیم در دادگاه کیفری دو اتخاذ شود: مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود.

اعتراض ثالث ثبتی موضوع ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا:

اگر ثالث نسبت به ثبت ملک اعتراضی داشته باشد باید جهات اعتراض خود را به رئیس ثبت ارائه دهد پس مطابق ماده ۱۶۹ (هر کس) مشمول شخص ثالث هم می شود.

مثال: زوجه تقاضای صدور اجراییه از دفتر ازدواج کرده است و اجراییه صادر شده است اعتراض به صدور دستور اجرای از رئیس ثبت محل شده کارشناس اجرای ثبت استعلام سه گانه را انجام داده و طی آن یک مال غیرمنقول را در اداره ثبت توقیف می کند و هر کس به این عملیات اجرایی ثبت اعتراض دارد به اداره ثبت رجوع می کند و اعتراضش را به عملیات اجرا اعلام کند.

گاهی ادعای ثالث مبتنی بر سند رسمی است و گاهی دیگر مبتنی بر سند عادی:

اگر با سند عادی اعتراض کرد رئیس ثبت نمی تواند رسیدگی کند چون این رسیدگی ترافیعیست و در صلاحیت محاکم حقوقی است و حتی اگر رئیس ثبت رسیدگی کرد در هیئت نظارت ثبت قرار توقف صادر می شود تا تعیین تکلیف نهایی در مورد اعتبار سند عادی از دادگاه صالح در این خصوص صادر گردد لذا رای وحدت رویه صادره ۷۸۴ در این مورد تعیین تکلیف کرده ولی در این رای هم دادگاه هم اداره ثبت را صالح به رسیدگی دانسته (فقط نسبت به عملیات اجرا می توانیم اعتراض کنیم)

مثال مردی مهریه زنش را پرداخت کرده و یک سند عادی هم برای پرداخت دارد و بعد زنش رفته تقاضای اجراییه ثبتی کرده است و دفتر ازدواج هم دستور اجرا صادر شده است. این اجراییه خلاف قانون می باشد چون منشا این بدهی که سند ازدواج بوده ساقط شده است لذا این مورد عملیات اجرا نیست و باید در دادگاهی که در معیتش اجراییه صادر شده رسیدگی گردد. به طور مثال اگر در شیراز اجراییه صادر شده در دادگاه حقوقی شیراز (مطابق مواد ۱ تا ۵ اصلاحی بعضی از مواد قانون ثبت) تعهد ساقط شده (سقوط تعهدات) که این عملیات اجرا نیست ما باید به دادگاهی که در معیتش اجراییه صادر شده یعنی اگر در شیراز اجراییه صادر شده در دادگاه حقوقی شیراز دادخواست مطرح شود که در ستون خواسته ۱- بطلان دستور اجرا ۲- تقاضای ابطال اجراییه ۳- قرار توقیف عملیات اجرایی درخواست می کنیم در اینجا تفاوت دستور موقت و قرار توقیف عملیات اجرایی در این است که دستور موقت مستقل از پرونده قابل تقاضا و صدور می باشد اما قرار توقیف عملیات اجرایی حتماً باید پیوست ادعای اصلی مبنی بر اثبات پرداخت دین یا اثبات برائت ذمه یا اثبات سقوط تعهدات یا ابطال اجراییه یا..... پس بنابراین قرار توقیف عملیات اجرایی اگر به تنهایی مطرح شود قرار عدم استماع دعوا صادر می شود و قرار توقیف عملیات اجرایی باید پیوست ادعای اصلی ما باشد و نباید به تنهایی مطرح شود.

در مواردی که دادگاهی نیابت می دهد به دادگاه شهر دیگری که در راستای آن می یابست مالی توقیف شود اگر شخصی نسبت به توقیف (عملیات اجرایی) اعتراض داشته باشد طبق رای وحدت رویه شماره ۸۰۲ در این خصوص دادگاه معطی نیابت به اعتراض به عملیات اجرایی رسیدگی می کند.

مثال: شخصی دینی دارد که در دادگاه شیراز محکوم به پرداخت آن می شود به عنوان مثال ۱۰۰ میلیون تومان، که حق دینی است نه حق عینی) و چون شخص در تهران مالی دارد دادگاه شیراز به دادگاه تهران نیابت می دهد که آن مال (منقول یا غیر منقول) را توقیف کند، همین شخص دین دیگری دارد که در دادگاه مشهد علیه او طرح دعوا می شود و محکوم به پرداخت آن می شود و دادگاه مشهد نیز به دادگاه

تهران جهت توقیف مال نیابت می‌دهد و باز همین شخص در سند دینی دارد که در دادگاه سندج محکوم به پرداخت آن میشود و دادگاه سندج به دادگاه تهران نیابت جهت توقیف مال را می‌دهد، این مال واقع شده در تهران سه بار با نیابت توقیف می‌شود، در این مورد دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه معطی نیابت یعنی دادگاه شیرازو مشهد و سندج تقدیم می‌کنیم مثال فوق برای زمانی است که ملک توقیفی دارای سند رسمی باشد.

در همین مثال اگر ملک توقیفی در تهران سند عادی داشته باشد با استفاده از عمومات باید دادخواست مستقلى در دادگاه تهران طرح کنیم و در ستون خواسته ۱- اثبات مالکیت ۲- تقاضای الزام به تنظیم سند رسمی ۳- تقاضای صدور حکم به رفع توقیف ۴- دستور موقت مبنی بر ممانعت از نقل و انتقال طرح کنیم.

در مورد اخیر که مال منقول یا غیرمنقول در چند شهر توسط افراد دیگری هم توقیف شده ما باید همه اصحاب دعوها را که در چند شهر قرار دارند را خوانده دعوای مطرح شده در تهران قرار بدهیم اگر یکی از اشخاص مذکور را طرف دعوا قرار ندهیم دادگاه قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کند.

در خصوص ماده ۱۶۹ آیین اجرای مفاد اسناد رسمی و لازم الاجرا: اگر ادعا مستند به سند عادی باشد باید دادخواست خود را به دادگاه تسلیم کنیم نه به اداره ثبت، اگر دادگاه در این خصوص احراز مالکیت کرد برای اینکه عملیات اجرا توقیف شود باید تقاضای دستور موقت بدهیم نه تقاضای قرار توقیف عملیات اجرایی، که در کل خواسته‌ها در مورد مذکور به قرار ذیل می‌باشد: ۱- اثبات مالکیت ۲- اثبات بیع موضوع سند عادی ۳- الزام به تنظیم سند رسمی ۴- تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر عدم نقل و انتقال

۱۸- اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در دادگاه انقلاب

رای وحدت رویه شماره ۵۸۱، مورخ ۰۲/۱۲/۱۳۷۱ (صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در رسیدگی به دعوای اشخاص نسبت به اموالی که از طرف دادگاه‌های مذکور مصادره شده است) رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی یا حقوقی را نسبت به اموالی که در دادگاه‌های انقلاب نامشروع شناخته و مصادره نموده‌اند در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب تشخیص می‌دهد.

مستند به این رای وحدت رویه اعتراض ثالث باید در دادگاه صادر کننده حکم یعنی دادگاه انقلاب انجام شود

۱۹- اعتراض ثالث نسبت به توقیف اموال در اجرای احکام دادگاه خانواده و دادگاه صلح (شورای حل اختلاف)

صلاحیت دادگاه خانواده خاص است دادگاه خانواده نمی‌تواند در رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی ورود کند و به ادعای مالکیت طبق مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی رسیدگی کند صلاحیت دادگاه خانواده منحصر به ماده ۴ و موارد ۱۸ گانه مذکور در این ماده است.

به عنوان ثالث اگر خواستید به توقیف مالی در اجرای احکام خانواده اعتراض کنید شما در ستون خواسته ۱- اعتراض ثالث اجرایی ۲- قرار توقیف عملیات اجرایی را درخواست می‌دهید و ادعای خود در رابطه با اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی را باید در محکمه حقوقی طرح کنید. در راستای ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری باید ظرف یک ماه دعوای مقتضی را در دادگاه حقوقی طرح کنید و گواهی آن را به دادگاه خانواده ارائه دهید در غیر این صورت قرار توقیف عملیات اجرایی لغو می‌شود.

در شورای حل اختلاف نیز با همین کیفیت مذکور در فوق اعمال می‌شود(ضمن اینکه باید توجه داشت بعد از راه اندازی دادگاه صلح صلاحیت شورای حل اختلاف تغییر کرده است)

۲۰- اعتراض ثالث به رای ورشکستگی

رای وحدت رویه ۷۸۹ مورخه ۰۳/۰۴/۱۳۹۹ هیات دیوان عالی کشور ؛

با توجه به اینکه به لحاظ وضعیت خاص ورشکستگی و احکام راجع به آن و لزوم تسریع در انجام عملیات تصفیه مقررات خاصی در قانون تجارت وضع شده و از جمله فصل مخصوصی به طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی تحت همین عنوان اختصاص داده شده و آگهی کردن حکم ورشکستگی الزامی شده و ماده ۵۳۷ همین قانون مبدا اعتراض اشخاص ذینفع به نحو مطلق ، تاریخ اعلان آگهی احکام راجع به ورشکستگی دانسته شده و قرینه کافی بر نسخ مقررات خاص مذکور به موجب مقررات عام قانون موخرالتصویب آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی وجود ندارد و با عنایت به اصل عدم نسخ ، اعتراض کلیه اشخاص ذینفع به احکام ورشکستگی ، خارج از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۳۷ قانون یاد شده در دادگاه صادر کننده حکم قابلیت استماع ندارد.

اگر شخص ثالثی به رای ورشکستگی دیگری اعتراض داشته باشد تنها جایی که اعتراض ثالث مقید به زمان است در ماده ۵۳۷ قانون تجارت می‌باشد که مهلت یک ماهه در نظر گرفته چرا که از تاریخ اعلان آگهی روزنامه چه شخص مطلع بشود و چه مطلع نشود با توجه به وضعیت خاص ورشکستگی و احکام راجع به آن و لزوم تسریع در انجام عملیات تصفیه مقررات خاصی در قانون تجارت وضع شده از جمله فصل مخصوص طرق شکایت از آراء صادره در مورد ورشکستگی الزامی شده و در ماده ۵۳۷ مبدا اعتراض ذینفع به نحو مطلق تاریخ اعلان آگهی احکام مربوط به ورشکستگی دانسته شده و قرینه کافی بر نسخ مقررات خاص مذکور به موجب مقررات عامه موخرالتصویب در قانون آیین دادرسی مدنی وجود ندارد با توجه به عدم نسخ ، اعتراض در کلیه اشخاص ذینفع به احکام ورشکستگی خارج از مهلت مذکور در ماده ۵۳۷ قابلیت استماع ندارد .

۲۱- اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی اداره مالیات

ماده ۸ ، تبصره ۱ از آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۱۸ قانون مالیات‌های مستقیم

تبصره ۱- هرگاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده، شخص ثالث اظهار حقی نماید ، اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی بوده که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف باشد توقیف رفع می‌شود ؛ در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای اثبات ادعای خود می‌تواند به هیات موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات‌های مستقیم شکایت کند . این هیات در صورتی که ادعای شاکی را وارد دانست ، قرار رفع توقیف اموال را صادر می‌نماید . قرار صادره قطعی و لازم الاجرا می‌باشد در این صورت قسمت اجرائیات اداره امور مالیاتی باید سایر اموال شناسایی شده مودی را توقیف نماید .

اگر در اعتراض ثالثی که نسبت به توقیف اموال تقدیم می‌شود مستند ما رای باشد دو حالت قابل تصور است:

۱- رای مقدم بر توقیف باشد : در این صورت طبق ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام از مال رفع توقیف می‌شود و نیاز به رسیدگی در هیئت موضوع ماده ۲۱۶ ندارد.

۲- رای موخر بر توقیف باشد : در این صورت باید در هیئت حل اختلاف بررسی شود و قرار رفع توقیف در صورت ذی حقی بعد از رسیدگی صادر شود.

در مورد اخیر اداره مالیات می تواند نسبت به رای اعتراض ثالث حکمی موضوع ماده ۴۱۷ آیین دادرسی مدنی را مطرح کند .

در صورتی که مستند سند عادی باشد در این مورد هیئت حل اختلاف نمی تواند رسیدگی کند چرا که این یک امر توافقی است و باید به دادگاه مراجعه و طرح دعوا شود . در این صورت ابتدا به هیئت حل اختلاف تقاضای توقف عملیات اجرایی را می دهیم و بعد از طرح دعوا در دادگاه صالح گواهی دادگاه مبنی بر تقدیم دادخواست ماهیتی با خواسته اثبات مالکیت را به هیات حل اختلاف تسلیم می کنیم .

۲۲- اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی اداره تامین اجتماعی

ماده ۸۵ و ۸۶ آیین نامه موضوع ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی

ماده ۸۵ - هرگاه نسبت به مال منقول یا وجه نقد بازداشت شده شخص ثالث اظهار حقی نماید چنانچه اظهار حق مستند به سند رسمی بوده که تاریخ آن مقدم بر تاریخ بازداشت باشد به دستور اجرا از وجه یا مال منقول رفع بازداشت می شود . در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب و مدعی حق می تواند برای جلوگیری از عمل اجرا به دادگاه مراجعه نماید . در چنین مواردی اجرا مخیر است از مال مورد بازداشت صرف نظر نموده اموال دیگر بدهکار را بازداشت نماید .

ماده ۸۶ - هرگاه نسبت به مال غیرمنقولی که به مزایده گذارده می شود ثالثی قبل از جلسه مزایده اظهار حقی نسبت به تمام مورد مزایده یا قسمتی از آن بنماید چنانچه مورد ادعای شخص ثالث در دفتر املاک به نام مدیون ثبت شده یا مدت اعتراض نسبت به آن گذشته باشد خودداری از مزایده وقتی به عمل می آید که ادعای شخص ثالث مستند به سند رسمی منتسب به مالک باشد . در غیر این صورت اگر اظهار شخص ثالث با صورت وضعیت مورد مزایده مطابقت داشته باشد در موارد ذیل موقتاً از مزایده خودداری می شود :

۱- هرگاه شخص ثالثی مدعی باشد که نسبت به مورد بازداشت بین او و بدهکار دعوی در دادگاه مطرح بوده و بعد از تقاضای ثبت گواهی دادگاه را مبنی بر طرح دعوا در وقتی که هنوز مدت اعتراض باقی بوده به اجرا داده است .

۲- چنانچه شخص ثالث اظهار کند مورد مزایده در جریان ثبت بوده و به آن اعتراض شده است .

۳- اگر شخص ثالث اظهار کند در نتیجه شکایت او بر جریان ثبت مورد مزایده قضیه قابل طرح در شورای عالی ثبت شناخته شده است .

۴- هرگاه شخص ثالث اعلام کند که مورد مزایده در جریان ثبت بوده و مدت حق اعتراض نسبت به آن باقی است و در مهلت مقرر اعتراض به ثبت خواهد کرد .

طبق مواد ۸۵ و ۸۶ قانون تامین اجتماعی اگر در راستای توقیف اموال توسط سازمان تامین اجتماعی شخص ثالثی اعتراض داشته باشد مرجع صالح برای رسیدگی به اعتراض دادگاه عمومی حقوقی می باشد.

۲۳- اعتراض ثالث نسبت به رای کمیسیون ماده ۱۰۰

ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری : شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می کنند که شخص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به شکایت را برابر قانون درخواست کرده باشد .

تبصره ۱ (الحاقی ۱۰/۰۲/۱۴۰۲) - دادستانی کل کشور ، سازمان بازرسی کل کشور ، و دیوان محاسبات کشور ، در حدود اختیارات قانونی خود صلاحیت طرح شکایت نسبت به موضوعاتی که متضمن تضییع حقوق عمومی است و رسیدگی به آن برابر ماده ۱۰ این قانون در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد . این مراجع از پرداخت هزینه دادرسی معافند و حق تجدید نظر خواهی دارند و رسیدگی به شکایت مذکور با رعایت مصادیق اهم لازم الرعایه خارج از نوبت انجام می شود.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۰/۰۲/۱۴۰۲) سازمان های مردم نهادی که موضوع فعالیت آنها طبق اساسنامه مربوط، در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات محیط زیستی ، منابع طبیعی ، میراث فرهنگی ، بهداشت عمومی ، و حمایت از حقوق شهروندی است ، می توانند در خصوص موضوعات تخصصی مرتبط با فعالیتشان ، نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع موضوع ماده ۱۰ این قانون که متضمن تضییع حقوق عمومی است در دیوان طرح شکایت کنند و حق تجدید نظر خواهی دارند .

طبق ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری شخص ثالث می تواند از دیوان تقاضای صدور حکم مبنی بر ابطال رای کمیسیون ماده ۱۰۰ را تقاضا نماید.

۲۴- رای وحدت رویه شماره ۸۳۱ مورخ ۰۲/۰۳/۱۴۰۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به اصل نسبی بودن احکام دادگاه ها و اطلاق مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون بین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در مواردی که یکی از طرفین دعوای نخستین ، طرف دعوای تجدید نظر نبوده و به عنوان ثالث نسبت به رای صادر شده از سوی دادگاه تجدید نظر ، اعتراض کرده است به لحاظ آنکه وی در دادرسی مرحله تجدید نظر که منتهی به صدور رای معترض عنه شده به عنوان یکی از طرفین دخالت نداشته و حسب ادعا ، همین رای به حقوق وی خلل وارد آورده است ، دعوای اعتراض ثالث مذکور قابل استماع است .

۲۵- رای وحدت رویه شماره ۸۲۹ - ۱۶/۱۲/۱۴۰۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

دادگاه خانواده برابر ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ برای رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی تشکیل شده و در ماده ۴ این قانون موارد صلاحیت آن احصاء شده است ، بر این اساس ، دعوای زوجه به طرفیت متعهد ثالث مبنی بر الزام به تنظیم سند رسمی مال غیر منقول موضوع مهریه ، که زوج طرف دعوای نیست ، از صلاحیت این دادگاه به عنوان یک مرجع اختصاصی و دارای صلاحیت استثنایی خارج است و مطابق اصل ، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است .

طبق این رای وحدت رویه اگر زوج تعهدی به انتقال مال غیر منقول به عنوان مهریه به زوجه داده باشد در این مورد دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی توسط زوجه باید به دادگاه خانواده تسلیم شود .

قاعداً در مورد تعهد ثالث در خصوص مهریه که در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است اعتراض ثالث نسبت به آن نیز در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است و در مورد تعهد زوج در خصوص مهریه در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد اعتراض ثالث نسبت به آن موضوع نیز در صلاحیت دادگاه خانواده است .